

پروانه سلحشوری گفته در ایران تصمیم‌گیری‌ها به صورتی انجام می‌شود که اساسا در آنها مردم به صورت افرادی که چیزی نمی‌دانند، فرض می‌شوند.

یک نماینده مجلس شورای اسلامی عنوان کرد؛



پروانه سلحشوری، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی می‌گوید: معمولا در کشورهایی که دموکراتیک هستند و از رسانه‌های صوتی و تصویری آزاد برخوردارند، بدون در نظر گرفتن افکار جمعی، تصمیمات مهم صورت نمی‌گیرد. به نوعی آنها از قبل برای اخذ تصمیمات مختلف نظرسنجی‌هایی دارند که در آنها با مردم صحبت شده و آماده‌سازی صورت می‌گیرد. اما در سیستم کشور ما که تقریبا در دنیا منحصر به فرد بوده و فکر نمی‌کنم در هیچ کجای دنیا به این صورت باشد، اساسا اقناع افکار عمومی جایگاهی ندارد. یعنی برای دست‌اندرکاران مهم نیست که افکار عمومی و مردم از تصمیمات مختلف رضایت داشته باشند. چنین موضوعی در کشور ما معنی ندارد و مردم باید از تصمیماتی که گرفته می‌شود، تبعیت کنند. به همین دلیل چنین مناظره‌هایی شکل نمی‌گیرد. علاوه بر این، مگر صداوسیما چقدر مخاطب دارد که بخواهد مناظره‌ای ترتیب دهد که در آن از نیروهایی که منتقد هستند نیز دعوت شود. معمولا چنین کاری انجام نمی‌دهند.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از ایلنا، سلحشوری می‌گوید: اکنون تقریبا تمام نظام با هم متفق‌القول هستند و برنامه‌هایی در حال اجراست که اساسا از نظر من اصلا افکار عمومی در آنها معنی ندارد که حال بخواهند مناظره هم برای آن برگزار کنند ولی خب اگر مناظره‌هایی برگزار شود، قطعا آن قشری که فکر می‌کنند نادیده انگاشته شدند، احساس دیگری پیدا می‌کنند. این قشر به خصوص در بین نخبگان کشور، یک جامعه جوان تحصیل‌کرده، تعداد زیادی اساتید دانشگاه و سایر اقشار فرهنگی و اجتماعی که سطح انتظارشان متفاوت از آن چیزی است که در تلویزیون گفته می‌شود. بنابراین اگر چنین مناظراتی شکل گیرد، می‌تواند تاثیرگذار باشد. حتی من فکر می‌کنم در مورد افزایش قیمت بنزین، اگر به جای تصمیم ناگهانی، به صورت علمی با مردم صحبت می‌شد، شاید آنها هم تا حدی اقناع می‌شدند و این همه آسیب به کشور وارد نمی‌شد. ولی خب باید بگویم تصمیم‌گیری‌ها به صورتی انجام می‌شود که اساسا در آنها مردم به صورت افرادی که چیزی نمی‌دانند، فرض می‌شوند. به نوعی که انگار، چنین قدرتی وجود دارد که فکر می‌کند دانیان کشور هستند و خیر و صلاح کشور را تشخیص می‌دهند. به این ترتیب آنها هستند که باید تصمیم بگیرند و مردم هم باید تبعیت کنند. او می‌گوید:

وقتی بنزین ۳ هزار تومان می‌شود، من که جزو طبقه متوسط بالا هستم، ممکن است اذیت شوم و فشاری را متحمل شوم، ولی اگر چند جا صرفه‌جویی کنم، می‌توانم گذران زندگی خوبی داشته باشم ولی آن روستاییانی که باید از یک مکان به مکان دیگر بروند، برای همین جابه‌جایی باید هزینه گزافی بپردازند. خب این هزینه را باید از کجا بیاورند؟ آن کارگری که ماهی دو میلیون تومان حقوق می‌گیرد، از کجا باید این هزینه‌ها را تامین کند؟ هزینه دکتر، دوا، حمل و نقل، مسکن و خورد و خوراک را در نظر بگیرید، امروزه با دو میلیون تومان چگونه می‌توان گذران زندگی کرد؟ خانواده‌های چند نفره‌ای که کارگر هستند، یا روستایی و بی‌کارند، از کجا بیاورند و زندگی را بگذرانند؟ از نظر ما وقتی پولی نباشد که دولت بخواهد هزینه کند، گذران زندگی برای خیلی از مردم سخت می‌شود، در واقع مردم، خودشان و زندگی که با آن درگیر هستند را می‌بینند. به همین دلیل است که روز به روز خط فقر پایین می‌آید و وضع بدتر می‌شود. مسئولان باید به این فکر بیفتند که باید فکری کرد. ما یک جزیره نیستیم که بتوانیم همه چیزمان را خودمان اداره کنیم. در این مدت که اینترنت قطع بود، خیلی از کسب و کارهای اینترنتی فلج شده بودند. چه کسی قرار است آسیبی که این کسب و کارها می‌بینند را جبران کند؟ برای این کاربران ضرورت دارد که اینترنت قطع نشود. این همه به این دلیل است که بین دولت و ملت شکاف شدیدی وجود دارد، آگاهی‌سازی به روش موجود، آگاهی‌سازی نیست که به درد مردم بخورد.

این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته من تلویزیون نگاه نمی‌کنم اما به نظرم این تلویزیون اصلا رسانه ملی و متعلق به همه مردم نیست چراکه اصلا افکار عمومی و حرف مردم را منعکس نمی‌کند و به شخصه نمی‌دانم که از کجا آمده است. به نوعی تلویزیون جزیره‌ایست که فقط اخبار مختص به عده‌ای را پوشش می‌دهد. تلویزیون خودمان اخبار درست را منعکس نمی‌کند. گاهی اوقات کانال‌های مختلف تلویزیون را رصد می‌کنم تا ببینم چه برنامه‌هایی برای مخاطب عامی که می‌خواهد تلویزیون را تماشا کند، دارد. ولی متأسفانه علیرغم بودجه فراوان این رسانه، از نظر کیفیت بسیار ضعیف است، پس مخاطب چه چیز را باید نگاه کند؟ البته از سویی خوشحالم چراکه این قطعی‌های اینترنت و نبودن برنامه‌های مختلف در تلویزیون، شاید سبب شود تا مردم به کتاب خواندن روی بیاورند. چون ما عادت کتابخوانی نداریم، حداقل شاید به اینصورت عادت کنیم و به دوران کتابخوانی برگردیم. در گذشته که امکاناتی نبود، مردم بیشتر کتاب می‌خواندند، چه خوب که اکنون نیز به کتاب خواندن برگردیم. راهی برای اقناع وجود ندارد. خیلی ساده است؛ چه چیز را باید اقناع کنند؟ وقتی شما به طور ملموس چیزی را احساس می‌کنید، حال آنها بیابند و توضیحاتی را مطرح کنند؛ ولی افکار عمومی اقناع نمی‌شود. حال تلویزیون هرچیز که دلش می‌خواهد بگوید. در این میان دیگر بخش‌ها هم نتوانسته‌اند اطلاعات را خوب و شفاف به مردم ارائه دهند.

برچسب ها: [مجلس](#) [1]

[اعتراض](#) [2]